

بازگشایی ادارات آب و برق خرمشهر



■ روزنامه اطلاعات
■ سه‌شنبه ۴ خرداد ۱۳۶۱
■ صفحه ۲

روز دوشنبه سوم خرداد ۶۱ دکتر حسن غفوری، وزیر نیرو که از جبهه‌های جنگ در عملیات بیت‌المقدس دیدن می‌کرد، به مناسبت پیروزی بزرگ رزمندگان اسلام در خرمشهر با ارسال پیامی این پیروزی را تبریک گفت. وی هم‌چنین دستور بازگشایی ادارات آب و برق خرمشهر و اداره‌ی طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت آب‌رسانی و برق‌رسانی در این شهر را صادر کرد.

شهربانی خرمشهر افتتاح شد



■ روزنامه اطلاعات
■ سه‌شنبه ۴ خرداد ۱۳۶۱
■ صفحه ۲

اطلاعات سرویس خبری: هم‌زمان با پیروزی سپاهیان اسلام در خرمشهر، شهربانی این شهر حماسه و خون توسط سرهنگ سیدابراهیم حجازی رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران و سپاهیان اسلام افتتاح شد. یک مقام آگاه در دفتر ریاست شهربانی جمهوری اسلامی اطلاع داد: شهربانی جمهوری اسلامی ایران با یک دنیا شادی و شغف و افتخار، هم‌زمان با پیروزی ظفرمند رزمندگان دلیر اسلام... افتتاح شد و شروع به کار کرد.

رسانه‌ای که فتح خرمشهر را اعلام کرد



■ روزنامه کیهان
■ سه‌شنبه ۴ خرداد ۱۳۶۱
■ صفحه ۳

«خرمشهر آزاد شد»، این تیتر بزرگ [شماره] فوق‌العاده روزنامه کیهان بود که دیروز [۳ خرداد ۱۳۶۱] در تیراژ بسیار وسیع خبر پیروزی رزمندگان اسلام را قبل از همه رسانه‌های خبری، به اطلاع مردم رساند... از آغاز عملیات بیت‌المقدس تمام برادران مسلمان و متعهد شما در روزنامه کیهان بی‌تابانه در انتظار این پیروند که بلافاصله بعد از فتح خرمشهر، این خبر را به اطلاع امت رزمنده و مسلمان ایران برسانند.

به هر تقدیر این حرکت موثر واقع نمی‌شود و در جریان عملیات چند فروند هلی‌کوپتر عراقی که برای کمک به نیروهای در محاصره‌شان وارد حریم شهر شده‌اند، هدف آتش رزمندگان ایران قرار می‌گیرند و سرنگون می‌شوند. ساعاتی بعد با انهدام مقر فرماندهی ارتش عراق در خرمشهر و سنگرهای مخابراتی آنان، ارتباط نیروهای محاصره‌شده‌ی عراق با قرارگاه‌های تاکتیکی ارتش صدام در بصره هم قطع می‌شود.

در میان نیروهای محاصره‌شده‌ی عراقی در خرمشهر اضطراب فوق‌العاده‌ای حکم‌فرما می‌شود. آن‌ها با داشتن تجارب کافی از نحوه‌ی تسلیم شدن و با به کار بردن انواع حقه‌های عراقی سعی می‌کنند با تسلیم شدن خود را از دام هول‌ناک مرگ حتمی نجات دهند. روش‌های تسلیم نفرات‌شان هم سابقه‌ای طولانی دارد؛ در حالی که زیرپوش‌های سفیدشان را در هوا تکان می‌دهند الله‌اکبر گویان خود را تسلیم نیروهای ایرانی می‌کنند، رُندترهای‌شان فریاد می‌زنند: «الله‌اکبر، خمینی رهبر».

مرحوم هاشمی‌رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی رسمی مجلس که چهارم خرداد ۶۱، فردای آزادسازی خرمشهر، تشکیل می‌شود در این باره می‌گوید: «شنوذهای دشمن را که در جبهه ضبط می‌کردیم به این‌ها می‌گفتند مقاومت کنید، شما ۲۴ روز جنگیدید تا خرمشهر را فتح کردید حالا ۲۴ ساعت صبر کنید ما می‌رسیم. دیشب [شامگاه دوشنبه ۳ خرداد ۶۱] فیلمی از تلویزیون پخش شد نکاتی در فیلم بود؛ یک عراقی بشقاب‌ی از تصویر حضرت علی علیه‌السلام را در دست داشت، او آن را دزدیده بود و ماه‌ها آماده نگه داشته بود تا امروز که این دخیل را همراه خودش داشته باشد. این‌ها آماده‌ی جنگ نبودند...» (کیهان، چهارم خرداد ۱۳۶۱)

شمار نیروهای عراقی در خرمشهر حدود ۳۰ هزار تن تخمین زده می‌شود که بخشی از آن‌ها طی این عملیات کشته و بخشی دیگر، در حدود دوازده هزار تن، اسیر می‌شوند.

فضای شهر

فضای خرمشهر هنگام ورود نیروهای ایرانی عجیب و غریب است؛ شهر به تلی از ویرانه تبدیل شده، در بعضی جاها ساختمان‌ها به کلی ویران و در بعضی اماکن نیمه‌ویران است. عراق در سراسر شهر دژ پولادین ساخته، سطح گسترده‌ای از اطراف شهر را مین‌گذاری کرده و آهن‌ها و تیرک‌های چوبی در زمین‌های هموار شهر علم کرده که مانع فرود چتربازان ایرانی شود. از آن طرف سنگرهای بتونی ساخته که در برابر انواع توپ‌ها و گلوله‌ها مقاوم باشد، سیم‌های خاردار و مانع‌های عبور تانک، هم که غوغا می‌کند و همه و همه حکایت از آن دارد که صدام برای حفظ خرمشهر کلیه‌ی وسایل دفاعی زمینی را به کار گرفته، که از بخت بد صدام هیچ‌کدام مانع از گشایش شهر به دست نیروهای ایرانی نمی‌شود.

خونین‌شهر، شهر خون آزاد شد

سرانجام عصر دوشنبه سوم خرداد ۱۳۶۱ از جبهه‌ی خرمشهر خبر می‌رسد که رزمندگان اسلام این شهر را پس از ۱۹ ماه مبارزه و مقاومت حماسه‌آفرین از اشغال ارتش متجاوز بعث عراق آزاد کردند و خبرنگاران واحد مرکزی خبر، کیهان و جمهوری اسلامی متفقا خبر می‌دهند که رزمندگان اسلام در حالی که الله‌اکبر و لااله‌الاالله می‌گویند به طرف مسجدجامع خرمشهر می‌روند تا پس از ۱۹ ماه اذان آزادی را به طور دسته‌جمعی در مسجد جامع شهر خونین خرمشهر سر دهند و درست در ساعت ۱۶:۳۰ است که این صلا‌ی غرورانگیز در سراسر ایران طنین می‌اندازد: «شنوندگان عزیز توجه فرمایید... خونین‌شهر، شهر خون آزاد شد»

دوم خرداد ۶۱ آغاز می‌شود. پیش از ظهر دوم خرداد ۶۱ نیروهای ایرانی به پشت دروازه‌های خرمشهر در منطقه‌ی انبارهای عمومی می‌رسند. نیروهای ایرانی در این محور با تصرف انبارهای عمومی و ساختمان‌های نیمه‌تمام مناطق مسکونی کارکنان بندر و کشتیرانی خرمشهر قوای عراقی را در حد فاصل حفار غربی و سیل‌بند خرمشهر به محاصره‌ی خود درمی‌آورند. با تکمیل حلقه‌ی محاصره کلیه‌ی واحدهای دشمن مرکب از تیپ ۱۰ گارد مرزی، تیپ ۲۲، تیپ ۴۴، تیپ مستقل ۴۲۰، تیپ ۱۱۳، تیپ ۲۸۳ و تیپ ۳۸ و نیز واحدهایی از دفاع الواجبات جیش الشعبی عراق به دام می‌افتند.

در مسیر این پیش‌روی‌ها تیپ‌های ۱۰ مرزی و ۳۳ نیروی مخصوص و ۲۳۸ ارتش عراق به کلی نابود می‌شوند و اکثر فرماندهان این دو تیپ به اسارت نیروهای ایرانی درمی‌آیند و درست از همین لحظه است که تمامی راه‌های تدارکاتی زمینی و دریایی عراق بسته می‌شود. با بسته شدن راه‌های منتهی به خرمشهر تنها یک پل بر روی اروندرود باقی می‌ماند که نفرات عراقی همراه با تجهیزات‌شان از طریق آن به درون خاک عراق می‌گریزند و باقی به مقاومت ادامه می‌دهند.

در اواسط روز نیروهای ایرانی با پیش‌روی از جناح غرب خرمشهر مهم‌ترین جاده‌ی تدارکاتی عراق را در شلمچه قطع می‌کنند و به پیش‌روی خود به سوی خرمشهر ادامه می‌دهند و راه دریایی دشمن را در اروندرود می‌گشایند.

اولتیماتوم سپاه به فرماندهان عراقی

حدود ساعت ۱۲ شامگاه دوم خرداد؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از طریق بلندگو اعلامیه‌ای منتشر می‌کند و طی آن از به باقی‌مانده‌ی نفرات عراقی در غرب خرمشهر ۲۰ ساعت مهلت می‌دهد تا خود را تسلیم کنند و تهدید می‌کند با گذشت مهلت، نفرات عراقی همگی نابود خواهند شد. به گفته‌ی فرماندهان نظامی وقت ایران، بیش‌تر عراقی‌ها از طریق تنها پل اروندرود خود را از مملکه نجات می‌دهند.

سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از اجرای پروژمندانیه‌ی این عملیات در قرارگاه کربلا طی مصاحبه‌ای درباره‌ی این ماجرا می‌گوید: «بسیاری از نیروهای دشمن که جان سالم به در برده بودند از تنها پل احداث‌شده بر روی شط‌العبر فرار کردند و عده‌ای نیز به اسارت درآمدند که هنوز هم مشغول تخلیه‌ی آن‌ها هستیم.» (کیهان، دوشنبه ۳ خرداد ۶۱)

با حمله‌ی نیروهای ایرانی، از هم‌پاشیدگی و سردرگمی عجیبی در میان قوای عراق آشکار و ابتکار عمل از دست‌شان خارج می‌شود به طوری که هر یک از فرماندهان بعثی در سطح فرماندهان تیپ و گردان تنها به فکر نجات جان خود می‌افتند. از موارد عیدیده‌ای که پس از گشایش خرمشهر دیده می‌شود، شمار فراوان اجساد سربازان و افسران عراقی است که برای رهایی از پاسخ به صدام بابت این شکست، خود را در اروندرود غرق کرده‌اند.

نیروهای عراقی محاصره‌شده در خرمشهر

در جریان محاصره‌ی ۴۸ ساعته‌ی خرمشهر سرفرمانده‌ی کل ارتش بعث عراق با جمع‌آوری امرای ارتش و تشکیل جلسات فوق‌العاده راه‌های نجات افراد محاصره‌شده‌ی ارتش عراق در خرمشهر را مورد بررسی قرار می‌دهد و سرانجام تنها راه‌حل را از طریق اعزام هلی‌کوپتر و انتقال محاصره‌شدگان عراقی از طریق هوا تشخیص می‌دهد. این طرح اگرچه برای آن‌ها ناامیدکننده است و اتخاذ این تصمیم در نهایت در ماندگی صورت می‌گیرد، اما چاره‌ی دیگری ندارد.

ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه‌ی

عصر دوشنبه سوم

خرداد ۱۳۶۱، خبری

مستربخش ایرانیان

را پس از حدود

۲۰-۱۹ ماه گرختی به

وجد می‌آورد؛ طنین

دل‌نشینی که در گوش

آنان می‌پیچد این

است: «توجه فرمایید

- توجه فرمایید -

خونین‌شهر این شهر

خون و حماسه آزاد

شد.» این خبر کوتاه

مثل بمبی کشور پهناور

ایران را منفجر می‌کند